اقدام هماهنگ سازمان جهانی کار و جناح اصلاح‌طلب حکومت اسلامی علیه جنبش کارگری ایران

انتشار گزارش هیئت وابسته به سازمان جهانی کار درباره وضعیت تشکل‌های صنفی و قانون کار جمهوری اسلامی، واکنش‌های متعددی را در میان جناح‌های رژیم و احزاب اپوزیسیون برانگیخت. رئیس شاخه آزادی فعالیت اتحادیه‌ای این سازمان ضمن بررسی قانون کار جمهوری اسلامی ایران و مغایرت برخی مواد آن با مقاوله‌نامه‌های سازمان جهانی کار اعلام داشت که در ایران آزادی تشکل‌های کارگری وجود ندارد. این گزارش خاطرنشان می‌سازد که به «همین دلیل شوراهای اسلامی کار که در حال حاضر به‌عنوان نمایندگان جامعه کارگری فعال هستند را نمی‌توان انجمن‌های واقعی کارگران دانست.» هیئت اعزامی سازمان جهانی کار با اشاره بر خصلت سیاسی تشکل‌های کارگری، به رژیم اسلامی توصیه می‌کند تا ضمن اصلاح قانون کار فعلی، جهت ایجاد انجمن‌های صنفی، اتحادیه‌های واقعی کارگری، گام بردارد.

هیئت اعزامی سازمان جهانی کار در گزارش خود بر نکاتی انگشت نهاد که پیش‌تر در دستور روز دفتر ریاست جمهوری و وزارت کار قرارگرفته بود. لزوم ایجاد تشکل‌ها و انجمن‌های صنفی به‌صورت یک استراتژی تمام‌عیار و سازمان‌یافته و به‌منظور مقابله با مبارزات مستقل کارگری به مرحله اجرا گذاشته‌شده بود. همچنین جهت پاسخگویی به نیازهای سرمایه و تحمیل شرایط مشقت‌بارتر به کارگران، بحث بر سر ضرورت ایجاد تغییراتی در برخی مواد قانون کار نیز یکی از موضوعات مشاجره جناح‌های حکومت اسلامی بوده است. بدین‌سان اقدام سازمان جهانی کار پیش از هر چیز جهت تسریع برخی تحولات دولتی و تضعیف گرایشی بوده است که در این مسیر مقاومت به خرج می‌دهد. برخلاف توهم‌پراکنی‌های احزاب چپ سرمایه، زیر سؤال رفتن نقش خانه کارگر و شوراها و انجمن‌های وابسته به آن توسط سازمان جهانی کار، نه به دلیل نقش پلیسی و سرکوبگرانه آن در طی بیست‌وپنج سال گذشته، بلکه به خاطر «سیاسی» بودن شوراهای اسلامی کار صورت گرفته است. آنجا هم که این هیئت سخن از نبود آزادی میراند، به‌طور مشخص اشاره به محدودیت‌های قانون کار در این زمینه دارد. از همین رونیز تضعیف بیشتر حزب اسلامی کار و تقویت جبهه مشارکت اسلامی و تشکل‌های وابسته و تسریع اصلاحات قانون کار از پیامدهای عملی دیدار هیئت سازمان جهانی کار می‌باشد.

مذاکرات چندروزه هیئت مزبور با مقامات دولتی و تأیید ضمنی تشکل‌های دست‌ساز وزارت کار پاسخ رد بورژوازی بین‌المللی به تاکتیک خانه کارگر در مقابله با جنبش کارگری بود. تاکتیکی که بر اساس آن قرار بود تا فعالیت‌های آتی خانه کارگر در دو بخش سیاسی (حزب اسلامی کار) و بخش صنفی (خانه کارگر و انجمن‌ها و شوراهای وابسته بدان) پیش رود. کارشناسان کارگری سرمایه‌داری جهانی نیز همانند گروه‌هایی از اصلاح‌طلبان مسلمان به این نتیجه رسیده‌اند که نقش پلیسی خانه کارگر، علیرغم «خانه‌تکانی سیاسی» آن به پایان رسیده است. از همین رونیز با انتشار گزارش هیئت وابسته به سازمان جهانی کار، کشمکش جناح‌های رژیم اسلامی، حزب اسلامی کار و جبهه مشارکت اسلامی تشدید گردید. چراکه این گزارش حکایت از همسویی سازمان جهانی کار با دفتر ریاست جمهوری و جبهه مشارکت اسلامی در پیشبرد «استراتژی مهار و کنترل جنبش کارگری ایران از طریق سیاست‌زدایی» و سازمان‌دهی اتحادیه‌های کارگری داشت. طرح نشست‌های سه‌جانبه که قویاً مورد تأکید سازمان جهانی کار است را نیز باید یکی از همین ابزارها در پیشبرد استراتژی مزبور دانست. طرحی که بنا بر آن قرار است تا توافق سه‌جانبه نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت حول مسائل مورد مذاکره امکان هرگونه حرکت مستقل اعتراضی را با چماق توافق و قانون از کارگران سلب نماید. گام اول چنین طرحی میان مسئولین سازمان جهانی کار و وزارت کار سابق که با انتخاب وزیر جدید کار توسط خاتمی کنار رفت، برداشته شد. امروز اما اربابان سرمایه بر این باورند که جنبش اصلاح‌طلب دولتی شایستگی بیشتری در پیشبرد این سیاست‌های ضد کارگری دارد.

گروه‌های موسوم به جبهه دوم خرداد در پیشبرد اهداف عمومی خود از حمایت بخش قابل‌توجهی از جناح‌های چپ و راست سرمایه برخوردار هستند. این طیف حول پاسخگویی به برخی نیازهای اساسی نظام سرمایه وحدت نظر دارند. نیازهایی همانند لزوم انجام اصلاحات ساختاری در اقتصاد، کنار زدن باندهای متعصب و خشک‌مغز وابسته به ولایت‌فقیه، انجام

اصلاحات در قانون کار و پیشبرد استراتژی جدید سیاست‌زدایی و صنفی‌سازی مبارزه کارگری ازجمله نکات موردتوافق اینان می‌باشد. به‌رغم وحدت کلی میان جناح‌های طبقه حاکم، حول چگونگی رویارویی با جنبش کارگری اما تشتت بر صفوف اینان سایه افکنده است. کشمکش حزب اسلامی کار و باند مشارکت اسلامی که در درگیری‌های قلمی روزنامه همشهری و خانه کارگر تبلور یافت گویای چنین تشتتی است. دامنه اختلافات آن‌ها هرقدر که وسیع باشد، در مقابل طبقه کارگر به‌مثابه یک طبقه عمل می‌کنند.

اعزام هیئت سازمان جهانی کار به ایران و انتشار گزارش این نهاد فضای مناسبی برای ابراز وجود جناح چپ اپوزیسیون بورژوایی ایران فراهم ساخت. احزاب و گروه‌هایی که به‌دروغ نام کمونیست و کارگر بر خود نهاده‌اند، به پابوسی نهاد کارگری سرمایه‌داری جهانی رفته و با ارسال شکوه‌نامه‌ها و گلایه‌ها در این کارناوال سیاسی ضد کارگری به خوش‌رقصی پرداختند. نگاهی به مواضع حزب توده، سازمان فدائیان اکثریت، سوسیال‌دمکرات‌های جوان وطنی و محافلی که تحت نام کارگر به انتشارات جنبش اصلاح‌طلب داخل ایران آویزان گشته‌اند صحت این گفته را آشکار می‌سازد.

نمایندگان کارگران صنعت نفت در سال ۱۳۵۸، پس از بیست‌وپنج سال سکوت در مقابل سهم خویش در به شکست کشاندن جنش کارگری، بر سر سفره خون‌آلود باندهای اصلاح‌طلب رژیم اسلامی حضور یافته و در روزنامه‌های جناح اصلاح‌طلب خود را نماینده نسل کنونی کارگران خوانده و آمادگی خود را برای شرکت در نهادهای صنفی‌ـدولتی آتی جهت مهار و کنترل مبارزه کارگری اعلام کردند.

دامنه اختلاف احزاب موجود در پیکره تشکیلاتی و حضور اجتماعی‌شان هرچقدر وسیع باشد، در حوزه مبارزه سیاسی و مواضع طبقاتی اما به‌مثابه یک طبقه عمل می‌کنند. شعار استراتژیک کلیه جناح‌ها و احزاب بورژوا درباره اوضاع کنونی ایران یگانه است: به سرانجام رساندن تحولات دولتی و پیشگیری از هرگونه حرکت انقلابی از پایین، ایجاد اتحادیه‌های کارگری و بازار کار با ثبات، رفع موانع برای رشد و اصلاحات اقتصاد. اینان می‌کوشند تا با تبلیغات زهرآگین و بی‌وقفه بر یاس و رخوت ناشی از شکست‌های تاکنونی مبارزه سوسیالیستی دامن زده و کارگران را از هرگونه امید به سازمان‌یابی سیاسی و تلاش برای دگرگونی بازدارند. می‌کوشند تا چنین وانمود کنند که گویا وجود یک نظام سرمایه‌داری اصلاح‌شده و انسانی ممکن است.

دیدار هیئت سازمان جهانی کار از ایران و همسویی با جنبش دولتی اصلاح‌طلب را، باید همچون اقدام هماهنگ بورژوازی داخلی و بین‌المللی در تهاجم به جنبش کارگری ایران تلقی کرد. گزارش هیئت وابسته به سازمان جهانی کار و اشاره آن به لزوم ایجاد تشکل صنفی کارگری، در همراهی با استراتژی سیاست‌زدایی دولت اصلاح‌طلب و به‌منظور تقویت آن در مقابل دیگر باندهای رقیب صورت گرفت. یاری‌رسانی نهاد کارگری سرمایه جهانی به جمهوری اسلامی محکوم است. تلاش برای ایجاد تشکل صنفی کارگری تحت حاکمیت رژیم اسلامی، مفهومی جز تأیید حیات ننگین آن و تکمیل دستگاه دولتی ندارد. اعطای حق فعالیت صنفی به طبقه کارگر با هدف ریاکارانه سلب حق دخالت کارگران در امور سیاسی و به رسمیت شناختن نهادهای سیاسی ضد کارگری که به نام کارگر سخن میگویند، صورت می‌گیرد. کارگران یک طبقه اجتماعی بوده و تنها تشکل مدافع حقوق کارگران، تشکیلات طبقاتی، حزب سیاسی کارگران می‌باشد. حزبی که باید به دست خود کارگران ایجادشده و پرچم مبارزه با سرمایه‌داری جهانی و برپایی سوسیالیسم را به اهتزاز درآورد.

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست

دی‌ماه ۱۳۸۲